

ایفای نقش در «هفت دریا شبنمی»

اودر یازده سالگی به هنر روی آورد و در کلاس های سرود و تئاتر ثبت نام می کند. صادقی از آخرین نسل شاگردان مرحوم «ماشاء... وحیدی»، نویسنده نمایشنامه های طنزی بوده که در دهه ۶۰ در مساجد اجرا می شد. او اولین بار در هفت سالگی در قامت بازیگر تئاتر به روی صحنه می رود. نمایشی که کارگردانی آن بر عهده ماشاء... وحیدی بوده و داستانش مربوط به گروهی از پسرانی است که برای رسیدن به خورشید، از بین بردن تاریکی و نجات مردمان شهرشان تلاش می کنند. صادقی زاده در باره تئاتر و فعالیتش در این حوزه می گوید: «تئاتر هنری است که خیلی به آن علاقه داشتم و از کودکی بخش مهمی از زندگی من را دربر گرفته است اما نقطه عطف من در هنر تئاتر در بیست سالگی اتفاق افتاد جایی که با بزرگان تئاتر مشهد آشنا شدم و از محضر آن ها بهره های زیادی بردم. ماندگارترین اثری که بازی کردم، نمایش «هفت دریا شبنمی» بود. داستان این نمایش بر اساس قصه ای فولکلور است که در میان اهالی خراسان نقل شده و ماجرای چگونگی بناشدن مسجد گوهر شاد به دست بانویی خیره نام، گوهر شاد بیگم، را روایت می کند. این نمایش در بخش موسیقی، بازیگری و نویسندگی حائز رتبه برتر نهمین جشنواره سراسری «تئاتر رضوی» شد. «پسران دشت نور» و «پرنده وفیل» از دیگر نمایش های به یادماندنی است که در دوران نوجوانی به روی صحنه رفته و از اجرای آن ها لذت بردم.»

آموختن ساز دیوان با وجود مخالفت خانواده

صادق زاده هم زمان با حضور در گروه های سرود مدرسه و مسجد، به موسیقی علاقه مند شده و بعد ها با یادگیری سازهای سنتی همچون دیوان، دو تار، سه تار و دف و همچنین عضویت در انجمن موسیقی ایران در خلق کارهای ماندگاری سهیم می شود. محمدصادق زاده در این راه با مخالفت های خانواده اش که رابطه خوبی با موسیقی نداشتند روبه رومی شود اما استوار در مسیر پیشرفت خود گام برمی دارد و سعی می کند استعداد خود در این زمینه را پرورش دهد: «اولین کسی که من را با موسیقی آشنا کرد، استاد هادی رضایی بود. او که از قاریان بنام کشور و استاد من در رشته قرائت قرآن بود بعد ها نواختن ساز «دیوان» را به من آموخت. دیوان سازی است اصیل و زهی که با مضارب پلاستیکی یا سار انگشتان دست و با تکنیکی به نام «شله» نواخته می شود. این ساز بیشتر در بین اقوام کرد که در غرب ایران و شمال خراسان ساکن هستند متداول است و در حدود ۴۰۰ سال قدمت دارد. من در این زمینه کار خودم را ادامه دادم و بعد ها علاوه بر دیوان، نواختن دو تار، سه تار و دف را هم آموختم و به عنوان یک آهنگساز در حوزه موسیقی سنتی و نواحی فعالیت کردم. اجرای برنامه های مشترک با استادان بنام موسیقی سنتی همچون «عثمان محمدپرست»، «عاشور گلدی گرگزی» و «ابراهیم شریف زاده» همواره از بزرگ ترین افتخارات من در عرصه موسیقی است.»

نگاه کاریکاتوری به آدم ها

عضو خانه موسیقی ایران، در کنار یادگیری سازهای سنتی و حضور در صحنه های نمایش به هنر نقاشی و خوشنویسی هم علاقه مند می شود و بعد ها به کشیدن کاریکاتور و طراحی و گرافیک جلد کتاب های گوناگون روی می آورد. در این راه خانواده مشوق اصلی او هستند چرا که پدرش خوشنویسی بر جسته بوده و برادر بزرگ ترش هم در هنر نقاشی و طراحی فرش و تذهیب دستی بر آتش دارد. این گونه که تعریف می کند می خندد از دوره کودکی نگاه کاریکاتوری به آدم های اطرافش داشته که در این باره می گوید: «هنر کاریکاتور را خیلی دوست داشتم و مدام چهره آدم های اطرافم را به صورت کاریکاتور به تصویر می کشیدم. این شد که کاریکاتور را به طور حرفه ای دنبال کردم و سال ۱۳۷۶ در جشنواره ملی طنز ایران که زیر نظر وزارت فرهنگ برگزار می شد، کاریکاتوری با موضوع «سلمان رشدی» را که به مقدمات مآتوهین کرده بود کشیدم و رتبه دوم را به دست آوردم. در ادامه سعی کردم در این زمینه هنری خودم را توانمندتر کنم و با طراحی جلد کتاب بیشتر آشنا شوم. در این مسیر هم تا کنون بیش از ۱۶۰ جلد کتاب و نشریه های گوناگون را صفحه آرایی و طراحی کرده ام، مدتی هم این افتخار را داشتم که در روزنامه شهرآرام به عنوان ناظر فنی چاپ انجام وظیفه کردم. طراحی و صفحه آرایی کتاب «صدسال تئاتر مشهد» و همچنین کتاب «صدسال سینمای مشهد» از جمله کارهای من در حوزه طراحی و گرافیک کتاب و نشریات است.»

خندانن مردم، هنر لحظه است

صادق زاده نقطه اوج کار خود را فعالیت در حوزه طنز پردازی می داند و در باره تفاوت آن با مجری گری می گوید: «مجری بر اساس برنامه ای که در اختیارش قرار داده شده است، مراحل مختلف برنامه را معرفی می کند و هیچ دخل و تصرفی در محتوای اصلی برنامه ندارد اما استندآپ کمدین در واقع برنامه ریزی و اجرای مراحل مختلف برنامه را در اختیار دارد و همه برنامه را هدایت و رهبری می کند. از نظر من استندآپ کمدینی موفق است که بتواند در لحظه و بدون برنامه ریزی قبلی در روی صحنه حاضر شده و با اجرای کلمات و حرکات نمایشی متناسب با موضوع برنامه در کنار شاد کردن

مردم، اطلاعات و عواطف آن ها را تحت تأثیر قرار دهد. در لحظه اجرا کردن، کار بسیار سختی است و هر مجری توانایی این هنر را ندارد. با وجود این که من در بیشتر رشته های هنری (گرافیک، نقاشی، تئاتر و سرود) وارد شده و موفقیت هایی نیز به دست آورده ام، اما خودم را یک هنرمند صحنه نمایش می دانم و دوست دارم که مردم من را با این عنوان بشناسند.»

داستان های کودکی در شب شرقی

محمدصادق زاده از ۴ سال قبل از پیوستن به تلویزیون استانی، در نقش استندآپ کمدین حضور فعالی داشته است. «شب شرقی» برنامه اجتماعی با چاشنی طنز است که با هنرنمایی او از شبکه تلویزیونی استان خراسان در حال پخش است. این هنرمند مشهدی برای اجرای این برنامه از آداب و رسوم مردم مشهد و خاطرات خود از محله دوران کودکی (تپل محله) وام گرفته است: «این برنامه با محوریت مهربانی و عطف بین شهروندان از سال گذشته شروع شده است و تا تیرماه سال ۱۴۰۰ ادامه خواهد یافت که به عنوان استندآپ کمدین در پلان هایی از این برنامه حاضر شده و فی البداهه مطالب طنزی را بیان می کنم. منبع من برای اجرای استندآپ کمدی در برنامه «شب شرقی»، زندگی خانوادگی و خاطرات دوران کودکی در تپل محله است، مجموع این خاطرات را در قالب ۸۰ داستان جمع بندی کرده ام و هر شب به صورت تکه تکه این داستان ها را بیان می کنم. علاوه بر این، آداب و رسوم و سنت های مردم مشهد و خراسان را نیز با لحنی طنز گونه بیان می کنم. بیشتر مطالب طنزی که در برنامه شب شرقی بیان می کنم فی البداهه است. چون معتقد هستم یک هنرمند استیج (صحنه)، تا زمانی که نتواند به طور آتی مطلبی را بیان کند، باز یگر نخواهد شد. در لحظه ورود به صحنه، سناریوی خود را طراحی می کنم و متناسب با حال و هوای برنامه، مطالب را بیان می کنم و خارج می شوم. این روتین و آبی بودن کار بسیار سختی است. اما با تمرین و تمرکز می توان به آن دست پیدا کرد.»



ای کاش دوباره مردم را بخندانم!

سالی که گذشت برای این کمدین خوش نام ساکن محله رحمانیه چندان جذاب نبود، دوری از صحنه برای او بسیار سخت است. زندگی او با جاری کردن لبخند بر روی لبان مردم می گذرد، شاد کردن دل مردم را بزرگ ترین موهبتی می داند که خداوند به او عطا کرده است، از این رو به دنبال فرصتی است تا روی صحنه حاضر شده و موجبات شادی و نشاط مردم را فراهم کند که در پایان در این زمینه توضیح می دهد: «همه دنیا به دنبال واکنش کرونا هستند که تنها از جسم انسان ها در برابر ویروس محافظت می کند اما انسان ها ذاتا نیازمند واکنش روحی هم هستند تا روان آسیب دیده آن ها از هجوم بی رحمانه ویروس کرونا التیام بخشد، بی شک خنده و شادی تنها دواي مردمی است که این روزها از همیشه خسته تر هستند، به این دلیل لحظه شماری می کنم تا شرایطی فراهم شود که دوباره روی صحنه حاضر شده و با مردم عزیز ساعتی را به شادی و خنده بگذرانیم. من تا کنون در ۱۷۰ شهر و روستای کشور برنامه اجرا کرده ام، از لطف آباد و جنت آباد در گز تا دورافتاده ترین روستاهای استان کردستان و خوزستان. من با اجرا زنده هستم، امیدوارم دوباره خودم را روی صحنه ببینم.»



ایستادن بر سکوی برترین مجری

محمدصادق زاده که مجری خلاق مشهدی است سال ۱۳۹۶ در جشنواره ادبی و هنری سعدی که با حضور بیش از ۲۵۰ نفر از مجریان طنز کشور برگزار شد موفق به کسب عنوان اول شد. این بهترین عنوان هنری است که او تا کنون کسب کرده است. محمدصادق زاده همچنین تا کنون برنامه های مشترک زیادی را با کمدین های معروف دیگر همانند حمید ماهی صفت، حسن ربوندی یا خوانندگان موسیقی پاپ از جمله امیر تاجیک و سینا شعبانخانی داشته است. او در ادامه درباره موفقیتش در جشنواره سعدی می گوید: «جشنواره سعدی که جشنواره مجریان و سخنوران و هنرمندان صحنه ای ایران است بزرگ ترین و رسمی ترین رویداد مرتبط با عرصه سخنوری و مجریگری در کشور است که بیش از ۱۰ سال قدمت دارد. من ۵ سال پیش در این جشنواره رتبه نخست را به دست آوردم و با این عنوان، افتخاری برای شهر و دیار خود کسب کردم که از این بابت خوشحالم.»

استندآپ کمدین موفق، در لحظه روی صحنه می رود

محمدصادق زاده در ادامه فعالیت بازیگری اش، از سال ۱۳۸۰ به عرصه مجریگری و استندآپ کمدین پا گذاشته است. او استندآپ کمدی را یک هنر واقعی می داند و معتقد است این هنر در سطح بسیار بالاتری از مجریگری قرار دارد: «استندآپ کمدی یا «ایستاده خندان» یا «کمدی ایستاده» اگرچه زادگاهش در کشورمان نیست اما امروز به یکی از جذاب ترین و پرمخاطب ترین هنرها در بین مردم تبدیل شده است. من در سال ۱۳۸۰ به عرصه مجریگری طنز و استندآپ کمدی وارد شدم، هنری که آن سال ها بسیار جدید بود و خیلی ها با آن آشنا نبودند. مجریان انگشت شماری هم در جریان کار مجریگری، شمه هایی از طنز و خنده را به کار می بردند. در ابتدا کارم را با اجرا در مهد کودک ها، جشن های فارغ التحصیلی و دانشجویی شروع کردم، اما از سال ۱۳۸۴ وارد رسانه شدم و در ابتدا برنامه رادیویی «ساعت کودکی» و بعدها برنامه های متعددی از جمله «عطر عاشقی» که ویژه برنامه ای در باره ماه محرم و صفر بود و همچنین برنامه «روز نو نوروز» را که در ایام تحویل سال و عید نوروز پخش می شد در سیمای استان خراسان رضوی اجرا کردم.»